

## مطالعه نهادهای حقوقی نظارت بر بازار رقابتی (در ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده)

محمدحسن صادقی مقدم\*

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد صادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق(ع)

### چکیده

نیل به اهداف مورد نظر «بازار» منوط به وجود فرایندی به نام «رقابت» است تا از این حیث سازوکارهای مناسب رشد و پویایی اقتصادی فراهم گردد. بدیهی است که دستیابی به این مهم مستلزم وجود تشکیلاتی منظم و ضابطه‌مند حقوقی بوده تا متولّی این امر خطیر باشند و حسب مورد، از مجاری «مقابله با انحصار» و یا «قیمت‌گذاری»، کنترل‌هایی را بر فعالیت اشخاص و بنگاه‌ها در بازار(اعم از رقابتی و غیر رقابتی)، داشته باشند. از نهاد متولّی «بازار رقابتی» در حقوق ایران، به تبع وجود نام آن در قانون اصل ۴۴ تحت عنوان «شورای رقابت» تعبیر می‌شود. این مقاله تلاش خواهد کرد جایگاه حقوقی این نهاد مهم و نهادهای مشابه در اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا را بررسی نماید و به دنبال آن است که نسبتی که بین «شورای رقابت» و نهادهای مشابه وجود دارد را در زمینه تشکیلات، صلاحیت، ضمانت اجرا و رویه‌ها مورد اشاره قرار دهد. در نهایت و در مقام نیل به این مهم که چارچوب حقوقی نهادهای نظارت بر «بازار رقابتی» به عنوان متولیان «حقوق رقابت» بر کدامین پایه‌ها استوار است، برخی خلأهای کنونی «شورای رقابت» را نیز برخواهد شمرد.

**واژگان کلیدی:** شورای رقابت، حقوق رقابت، بازار رقابتی، نابازار، کمیسیون اتحادیه اروپا، کمیسیون تجارت فدرال (FTC).

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۰۶

## مقدمه

تا زمانی که فرایند عملکرد «بازار» از علائم صحیح دستور نگرفته باشد، هرگونه سیاست‌گذاری یا اعمال ابزار اقتصادی فاقد کارایی است و رشد، اشتغال و حتی کنترل تورم که عمدتاً مسئله‌ای در چارچوب سیاست‌های کلان است نیز از دسترس دور می‌ماند. از این حیث توجه به نقش مهم و اساسی «رقابت» و «بازار» در اقتصاد کشورها یکی از نتایج رویکرد جدید است که طی قرن بیستم میلادی در نتیجه خصوصی‌سازی اقتصاد دولتی در بسیاری از کشورهای جهان پدیدار شده است. در این رویکرد اغلب کشورها به این باور رسیده‌اند که با حمایت از رقابتی شدن بازار نه تنها می‌توانند به نحو مطلوبی آن را مدیریت نمایند، بلکه می‌توانند موجبات رشد و شکوفایی اقتصادی خود را نیز بیش از پیش فراهم سازند.

طی سال‌های اخیر حقوق رقابت، حوزه نوپدیدي از علم حقوق را رقم زده است که رفته رفته اهمیت آن آشکارتر می‌گردد. این امر حاکی از آن است که قانونگذاران و مسئولین کشورها با پی بردن به ناکارآمدی اقتصاد دولتی برای رشد و اعتلای رفاه عمومی شهروندان خود، به اقتصاد خصوصی و مبتنی بر بازار رقابتی روی آورده‌اند که رابطه وثیقی با آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و رفع محدودیت‌های قانونی دارد.<sup>۱</sup> بدین‌سان قوانین و قواعد حمایت از رقابت، تضمین کارکرد صحیح و کارآمد بازار را بدنبال دارد و پرداختن بدین مهم و نهادهای متولی آن در جهت رفع نواقص حقوقی و قانونی و بازشناسی، تبیین و تقویت جایگاه آن مساعدت شایانی خواهد نمود. بسیاری از کشورها، وضع قوانین حمایت‌کننده از رقابت و مبارزه با انحصارات را آغاز نموده‌اند؛ به گونه‌ای که در آن‌ها نهادی با هدف تسهیل فعالیت اقتصاد خصوصی و به طور کلی‌تر عرصه اقتصادی و نوعی عامل برای کاهش ریسک در این بخش شکل گرفته تا بخش خصوصی با ورود به بازار، نگران انحصارات و رقبای انحصارگر خود؛ از جمله دولت نباشد.<sup>۲</sup>

در حال حاضر اتفاق نظری درمورد تاریخ دقیق پی بردن بشر به مزایای بازارهای رقابتی وجود ندارد (Furse, 2008:3) ولی علیرغم اینکه نمود سنتی رقابت در انگلستان ریشه دارد، اما در زمینه حقوق رقابت مدون و نوین، ظاهراً باید ایالات متحده آمریکا را مبدع بازار رقابتی دانست<sup>۳</sup> که این ابداع مدون ریشه در حقوق رم دارد. نهادی که ابتدا در سال ۱۸۹۰ با هدف مقابله باتبانی شرکت‌ها که موسوم به «قانون ضدتراست شرمن» آغاز گردید، توسط کنگره آمریکا به تصویب رسید و به نوعی نخستین قانون مهم حمایت از رقابت میان شرکت‌ها در بازار و آغازگر حقوق رقابت نوین محسوب می‌شود.

در نظام حقوقی کشور ما نیز به مرور زمان قوانین و مقرراتی برای حفظ رقابت و نظارت بر بازار وجود داشته که این قوانین و سابقه مقررات تنظیمی در ایران (قبل از تصویب سیاستهای کلی اصل ۴۴) به شرح ذیل می‌باشد:

۱- قبل از انقلاب اسلامی: قانون شمول مجازات اخلاص کنندگان در عرضه و توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن مصوب مجلس شورای ملی (۱۳۵۰)، ایجاد مرکز بررسی قیمت (۱۳۵۲) و تأسیس سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان (۱۳۵۶).

۲- بعد از انقلاب اسلامی: اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی (۱۳۵۸)، قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸)، بندهای ۸- ۲ و ۱۰ و قسمت هـ از فصل ۶ بند ۱۱ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حذف تشکلهای انحصاری در تولید و توزیع کالا، بند ۶ از فصل اول برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴)، فصل چهارم برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)، مواد ۳۸، ۴۰ و ۴۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۸۴)، سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۵) و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷).

از آنجا که تمرکز این نوشتار بر قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و نهاد متولی آن می‌باشد؛ لذا کارکرد نهاد اصلی نظارت بر بازار که به تبع وجود نام آن در قانون اخیر با عنوان «شورای رقابت» نامیده می‌شود، شامل نظارت بر کلیه اقدامات رقابتی است که توسط بخش‌های دولتی، خصوصی، عمومی و تعاونی انجام می‌شود تا از این طریق از ایجاد انحصار در بازار اقتصادی جلوگیری شود.

از این رو سؤال اصلی این پژوهش پرداختن به این مهم است که چارچوب حقوقی «شورای رقابت» به عنوان متولی امر نظارت بر بازار، که بر انحصار قدرت قوه مجریه سایه انداخته و به عنوان شورایی فراقوه‌ای به حساب می‌آید، بر کدامین پایه‌های نظری و عملی استوار است؟

بدیهی است که بررسی نهادهای رقابتی مستلزم فهم مفاهیم مرتبط از جمله بازار و تنظیم آن می‌باشد. از این رو «بازار» را می‌بایست عبارت از سازوکاری که در آن خریداران و فروشندگان با یکدیگر تعامل دارند تا به تعیین قیمت و میزان کالا و خدمات بپردازند، دانست. از این منظر «بازار» در علم اقتصاد، سازوکارهای مبتنی بر داد و ستد داوطلبانه و آزادی انتخاب است. (ساموئلسون و هاوس، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۲) پس «بازار» یا «بهازار» جایی است که در آن بها و قیمت ظاهر می‌شود. (نیلی، ۱۳۸۶، ص ۳۵) در یک تعریف، تنظیم و حفظ رقابت نیز عبارت است از اعمال قدرت و اجبار دولتی برای محدود کردن تصمیمات عوامل و فعالان اقتصادی. (Viscusi, 2004: 293) از این رو دولت با استفاده از تنظیم در جهت تغییر رفتار بنگاه‌ها و با اعمال سیاست‌هایی نظیر قیمت‌گذاری مداخله می‌کند.<sup>۴</sup> لذا تنظیم و حفظ رقابت را می‌بایست بخشی از مداخلات دولت برای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت بازاری برشمرد و آن را کنترل بی‌وقفه و متمرکز فعالیت‌های ارزشمند از سوی یک نهاد عمومی<sup>۵</sup> به حساب آورد. (ogus, 1994:1; pool, 2006:45)

## کلیات حقوق رقابت:

تحلیل و درک وضع حقوقی نظارت بر بازار رقابتی مستلزم بررسی مفهوم و جایگاه آن در نظم بازار و چرایی و فلسفه حمایت از آن است. از این رو در این مقال به توضیح و تبیین مفهوم و اهداف رقابت می‌پردازیم.

### الف - مفهوم حقوق رقابت

در معنای رقابت به نگرانی کردن، انتظار کشیدن و هم‌چشمی کردن تصریح شده است. (معین، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۶۶) از سویی نیز واژه competition که ریشه لاتینی دارد، به معنای «باهم تلاش کردن» و «شرکت کردن رقبا در یک مسابقه واحد با شرایط مشابه» آمده است. (سماواتی، ۱۳۸۴: ۱۷) در اصطلاح «حقوق رقابت» یا رقابت اقتصادی نیز همین معنا از رقابت مورد نظر است؛ چرا که در محیط بازار، هر کنش‌گری مراقب رقیب تجاری خود است و فعالیت‌های او را به دقت تحت نظر دارد تا مبادا مغلوب او شود. البته صرف مراقبت از رقیب و نظاره اعمال او، روشنگر همه رقابت تجاری نیست بلکه مجادله با رقیب بر سر یک هدف مشترک و تلاش برای پیشی گرفتن از او نیز جنبه مهم دیگر رقابت در بازار است. (غفاری فارسانی، ۱۳۹۱: ۶)

علی‌رغم اینکه درباره رقابت دیدگاه‌های اقتصادی متعددی بیان شده ولی اکثریت صاحب‌نظران اقتصادی، رقابت را در مرحله تولید کالاها و خدمات مورد نظر قرار داده‌اند و معتقدند که در نظام‌های مبتنی بر بازار، اجرای رقابت آزاد به منظور ایجاد شرایط ظالمانه صورت می‌گیرد. (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱) مفهوم رقابت ناظر به یک فرایند مطلوب در بازار و خون جاری در رگ‌های اقتصادی یک کشور است؛ (Furse, 2008:1) و مدل‌های اقتصادی به مقتضای دیدگاه صاحب‌نظران از مفهوم و عملکرد بازار، تصویری از رقابت و بایسته‌ها و الزامات و آثار آن ارائه نموده‌اند.

بدین‌سان در مورد رقابت می‌توان گفت «در صورتی که موجد رقابت‌پذیری باشد یعنی در صورتی که مشوق فعالیت کارآفرینی، ورود به بازار از طریق پاداش دادن به بنگاه‌های کارآمد و جریمه کردن بنگاه‌های ناکار باشد مطلوب است. در غیر این صورت، رقابت حالتی مخرب به خود می‌گیرد و مهار آن لازم خواهد بود.» (باقری و رشوند، ۱۳۸۷: ۶۴) از این رو بدین امر، فضای رقابتی را در پی خواهد داشت و شاخصه‌های اصلی آن برای ایجاد فضای رقابتی عبارت است از وجود ساختار تصمیم‌گیری غیرمتمرکز که ضامن آزادی عمل فعالان اقتصادی و استفاده بهینه از بازار و افزایش کارایی نیروهای بازار است که در نهایت امر به کارکردهای زیر منجر خواهد شد: ۱. تأمین و افزایش مطلوبیت مصرف‌کنندگان؛ ۲. محدود کردن اعمال قدرت در بازار که در نهایت به عدالت توزیعی منجر می‌شود؛ ۳. ایجاد انگیزه برای تولید کالاهای جدیدتر، با روش‌های کم‌هزینه‌تر. (میرجلیلی، ۱۳۸۳: ۱۱۹) با این تفاسیر، رقابت رابطه‌ای است که به طور

آگاهانه یا خود به خود میان تعدادی بنگاه که همزمان در بازاری معین به فروش یا عرضه کالا و خدماتی مشابه اشتغال دارد، پدید می‌آید و هرگاه که بنگاهی تصمیم به عرضه کالا یا خدمات در بازار می‌گیرد لاجرم خود را در معرض منازعه با سایر بنگاه‌های فعال در آن بازار قرار می‌دهد. (9: Goyder, 1998) لذا هرچه این مهم در محیطی آزادانه‌تر و رقابت‌پذیرتر انجام پذیرد، عواید و بهره‌وری مساعدتری را به بار خواهد آورد. بنابراین می‌توان مسامحتاً حقوق رقابت را نوعی مقررات اقتصادی حقوق نامید که بر اساس اصول علم اقتصاد و در جهت تأمین رفاه اقتصادی تدوین شده است. این مفهوم در ایالات متحده امریکا به نام حقوق ضد تراست (Antitrust law) و در برخی کشورهای اتحادیه اروپا به حقوق توافق (Law of concurrence) و در برخی دیگر به عنوان حقوق کارتل‌ها (Cartel law) شناخته می‌شود.

### ب- اهداف حقوق رقابت

تعیین مقاصدی که حقوق رقابت باید به دنبال تحقق آن‌ها باشد، از دشواری‌های سیاست رقابتی هر کشور است؛ چرا که اهداف حقوق رقابت از پرمناقشه‌ترین و در عین حال، مهم‌ترین مباحث این حوزه می‌باشد. (صادقی مقدم، غفاری فارسانی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) بنابراین، بدون فهم منطقی از اهداف حقوق رقابت، سخن گفتن از سایر مسائل و شاخه‌های آن بدون توفیق خواهد بود؛ چراکه «تا وقتی بدین مهم پاسخ نداده‌ایم نمی‌توان سیاست منطقی و قابل درکی را بنا نهیم (مقصود از قانون رقابت و اهداف آن کدامند؟) زیرا سایر موارد از پاسخی که به سؤال فوق می‌دهیم ناشی خواهد شد؛ بنابراین تنها زمانی که موضوع این اهداف حل شود ترسیم چارچوبی منسجم و منطقی از قواعد ماهوی میسر خواهد بود.» (Bork, 1993: 50) بدیهی است که بررسی تطبیقی نهادهای نظارت بر بازار مستلزم فهم اهداف کلی آنهاست و با مقایسه اهداف آنها نیز می‌توان به گونه‌ای به تفاوت‌ها و یا مشابهت‌های آنان دست یافت. به نحو اختصار اهداف کلی و مشترک قواعد حقوق رقابت عبارتند از:

- اهداف اقتصادی: اهداف اقتصادی که از رهگذر قواعد و قوانین حقوق رقابت شایسته بررسی و حائز اهمیت است عبارتند از: کارایی اقتصادی، افزایش رفاه، عدالت اجتماعی و منفعت برای مصرف‌کننده، بازتوزیع ثروت، حمایت از آزادی رقابت و رقابت‌پذیری در بازار و جلوگیری و ممانعت از سوء استفاده از آن.<sup>۷</sup>
- اهداف غیراقتصادی: اهداف حقوق رقابت همواره بر تحلیل‌های اقتصادی منطبق نبوده و از عملکرد عام‌الشمولی برخوردارند که عبارتند از: حمایت از استقلال فردی و برخورداری از فرصت‌های اقتصادی برابر، حمایت از کار و اشتغال‌زایی و توزیع منصفانه قدرت اقتصادی. (Green, 2008:6-7)<sup>۸</sup>

مقایسه کلی بین سیاست رقابتی ایران، امریکا و اتحادیه اروپا حاکی از آن است که هدف نیل به کارایی اقتصادی در اولویت قرار گرفته و در وضعیت کنونی هم اتحادیه اروپا، ایران و هم

امریکا، نیل به کارایی و رشد اقتصادی را سرلوحه سیاست رقابتی خویش قرار داده‌اند؛ طرق تأمین این اهداف عبارتند از: «۱. کنترل کارتل‌ها (تبانی‌های موجود بین بنگاه‌های بازار به منظور جلوگیری از فعالیت فعالان بازار) و توافقات محدودکنندهی تجارت؛ اسکپ‌های فعالیت، قلمروهایی که حقوق رقابت باید در این‌ها ورود کند؛ ۲. کنترل موقعیت‌های برتر یا مسلط اقتصادی؛ ۳. از طریق کنترل ادغام‌ها» (پورسید، ۱۳۹۰: ۱۶) در حقوق هر سه کشور هرگونه تصمیم و تبانی یا اقدامات گروهی مشترک که موجب اخلاص یا حذف بازار رقابتی و سوق به انحصار گردد، ممنوع اعلام شده است.

در پی تغییر سیاست‌های اقتصادی و با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» به تصویب رسید. از این رو بررسی اهداف خاص حقوق رقابت در ایران مستلزم مطالعه اهداف سیاست‌های کلی و قانون اجرای اصل ۴۴ می‌باشد<sup>۹</sup> که این اهداف کلی رقابت و سیاست رقابتی حقوق رقابت در ایران را می‌بایست کارایی اقتصادی، عدالت رویه‌ای و منع اضرار به غیر برشمرد. (باقری و فلاح زاده، ۱۳۸۸: ۷۸)

حقوق رقابت در ایالات متحده نیز شاهد وجود مکاتب مختلفی بوده که هرکدام به تناسب موقعیت خویش در روند رقابت تجارتي امریکا نفوذ دارند، لیکن مکتبی که دارای نفوذ و قوت بیشتری است، «مکتب شیکاگو» است.<sup>۱۰</sup> اهداف حقوق رقابت از میان مکاتب موجود در حقوق رقابت تجارتي ایالات متحده را می‌توان مواردی از جمله؛ حمایت از آزادی رقابت، افزایش رفاه و کارائی بازار و کالاهای موجود، عدالت اقتصادی برشمرد. (Eleanor M. Fox & Lawrence, 1986, pp951-958) نمود و آثار اهداف حقوق رقابت در امریکا را نیز می‌توان در ممنوعیت‌های قوانین ضد ائتلاف - که شامل موارد زیر است - دانست: ۱- هرگونه قرارداد یا موافقتنامه که منجر به محدود ساختن جریان آزاد تجارت گردد؛ ۲- هرگونه تبانی و توافقات پنهانی به منظور ایجاد محدودیت‌های تجاری؛ ۳- اقدام هماهنگ تولید یا توزیع‌کنندگان برای تعیین قیمت کالا و خدمات؛ ۴- ادغام یا تملک سهام شرکت‌ها توسط رقبا آن‌ها که منجر به کاهش میزان رقابت گردد؛ ۵- به کارگیری روش‌های رقابتی غیرمنصفانه به تشخیص کمیسیون تجارت فدرال؛ ۶- انجام اقدامات و عملیات غیرمنصفانه که تجارت آزاد را تحت تأثیر قرار دهد.

در سال ۱۹۵۷ قوانین ضد انحصار در اتحادیه اروپا در قالب عهدنامه رم به تصویب امضاکنندگان آن پیمان رسید. قضاوت و بحث از اهداف رقابتی اتحادیه اروپا مستلزم بررسی مفاد معاهدات این اتحادیه می‌باشد که این مهم در ماده ۳ معاهده ۲۵ مارس ۱۹۵۷م در مورد تأسیس جامعه اقتصادی اروپا اشاره شده است؛ تا آنجا که در بند (f) این ماده یکی از اهداف

مهم، استقرار نظامی برای از بین بردن رقابت نامشروع به حساب آمده است. (Deakin, 1997: 351) با توجه به بندهای ۲ و ۳ معاهده مزبور اهداف رقابتی اتحادیه اروپا حول محور اهداف سه‌گانه کارآمدی، انصاف و ائتلاف، انضمام و یکپارچگی می‌چرخد؛ و مقصود از این اهداف را می‌بایست در موارد ذیل خلاصه و احصاء نمود؛ که البته همگی این اهداف بر نیل به رقابت‌پذیری، کارایی و رفاه اقتصادی تأکید دارند: ۱- یکپارچگی بازارها از طریق حذف قواعد گمرکی و محدودیت‌های ورود و خروج کالا و از میان برداشتن موانع آزادی تردد؛ ۲- ایجاد فرصت‌های تجارتي مساوی برای فعالان تجاری و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان؛ ۳- ترغیب به استعمال بهینه از عوامل تولید و نوآوری و ایجاد انگیزه‌ی رقابتی در میان رقبا؛ ۴- بالا بردن حق انتخاب برای مشتری و کاهش قیمت‌ها و بهبود کیفیت کالا و خدمات.<sup>۱۱</sup>

### ماهیت و ساختار حقوقی نهادهای نظارت بر بازار رقابتی

در این مبحث به بررسی ماهیت و ویژگی‌های ساختاری نهادهای حفظ بازار رقابتی می‌پردازیم و به بیان نواقص و ایرادات اجمالی وضعیت کنونی حقوقی آن در ایران خواهیم آمد. پیش از ورود به این بحث لازم است پیشنهادی را در زمینه تعدد و گستردگی نهادهای حفظ رقابت بیان نمود که؛ بهتر بود قانونگذار ایران جهت تمرکز نظارت بر بازار رقابتی در کشور به وحدت نهادهای نظارتی بر بازار می‌پرداخت و با تأسیس «شورای رقابت»، سایر نهادهای مرتبط با تنظیم بازار، از جمله سازمان تعزیرات حکومتی و یا سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و... را به نحوی در این نهاد ادغام می‌نمود تا دستیابی متمرکزتر و بهتر در امر «حفظ بازار» دست‌یافتنی‌تر گردد چرا که تعدد نهادهای حفظ بازار رقابتی در کشور موجب اتلاف وقت، هزینه و سرمایه‌های انسانی می‌گردد.

### ۱- شورای رقابت ایران

تشکیلات و ساختار جایگاه رقابت در ایران را بایستی در مواردی از جمله شورای رقابت (موضوع ماده ۵۳ قانون اجرای اصل ۴۴)، مرکز ملی رقابت (به عنوان بازوی کارشناسی و دبیرخانه شورای رقابت که رئیس شورا، رئیس این مرکز نیز می‌باشد)<sup>۱۲</sup> و هیأت تجدید نظر<sup>۱۳</sup> (متشکل از سه قاضی دیوان عالی کشور به انتخاب و حکم رئیس قوه قضائیه، دو صاحب‌نظر اقتصادی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و حکم رئیس جمهور، دو صاحب‌نظر در فعالیتهای تجاری و صنعتی و زیربنایی به پیشنهاد مشترک وزرای صنایع و معادن و بازرگانی و حکم رئیس جمهور؛ بموجب ماده ۶۴ قانون اصل ۴۴) احصاء نمود. در حقوق ایران، رسیدگی به فعالیت‌های ضد رقابتی دو مرحله‌ای بوده و تصمیمات شورای رقابت ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت است. این مدت برای اشخاص مقیم خارج دو ماه خواهد بود و

در صورت عدم تجدیدنظرخواهی در مدّت یاد شده و همچنین در صورت تأیید تصمیمات شورا در هیأت تجدید نظر، این تصمیمات قطعی است.

برابر بند ج ماده ۶۴ قانون اجرای اصل ۴۴ رسیدگی در هیأت تجدیدنظر، ماهوی است و تصمیمات آن قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. نحوه تصمیم‌گیری هیأت تجدیدنظر مطابق قانون اجرای اصل ۴۴ و آیین‌نامه نحوه برگزاری، اداره جلسات و اخذ تصمیم هیأت تجدیدنظر موضوع ماده ۶۴ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۲۷/۳/۱۳۹۱ به شرح زیر است:

۱- تصمیمات هیأت تجدیدنظر منوط به تصویب اکثریت اعضاء آن است، ولی رأی تجدید نظر در مورد تصمیمات ماده ۶۱ در عین حال باید متضمّن موافقت حداقل دو عضو قاضی این هیأت باشد.

۲- هیأت تجدیدنظر می‌تواند، امر تحقیق و بازرسی را به مؤسسات تخصصی و اشخاص حقیقی و حقوقی متخصص که طبق قوانین خاص تشکیل و احراز صلاحیت شده اند، ارجاع کند.

۳- هیأت تجدیدنظر می‌تواند تصمیمات شورا را نقض یا عیناً تأیید یا حسب مورد آن را تعدیل یا اصلاح کند یا مستقلاً تصمیم دیگری بگیرد.

۴- هیأت تجدیدنظر می‌تواند طرفین دعوا را برای ادای توضیحات دعوت نماید و همچنین طرفین و یا وکیل آن‌ها بنا به تشخیص خود می‌توانند حضوری یا با ارائه لایحه دفاعیه نسبت به ادای توضیحات در جلسه رسیدگی به پرونده مطروحه اقدام نمایند، در غیر این صورت هیأت با توجه به مدارک و مستندات مضبوط در پرونده تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

### ۱-۱- ترکیب داخلی شورا

بموجب ماده ۵۳ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورایی تحت عنوان «شورای رقابت» تشکیل می‌شود که رئیس آن از بین صاحب‌نظران اقتصادی عضو شورا، به پیشنهاد اعضاء و با حکم رئیس جمهور منصوب و نائب رئیس نیز از بین اعضاء شورا به پیشنهاد اعضاء و با حکم رئیس شورا منصوب می‌شود.<sup>۱۴</sup>

نکته بسیار مهمی که در شورای رقابت ایران به خوبی مورد عنایت قرار گرفته است، پیش‌بینی این امر است که به منظور وجود هرچه گسترده‌تر نظارت رقابتی در تمامی عرصه‌ها، باید از نظرات صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف بهره برد. حُسن این تأسیس در حقوق رقابت ایران علیرغم اینکه این دستاورد را در پی خواهد داشت که در جهت نیل به سیاست‌گذاری اقتصادی و جلوگیری از انحصار و تسهیل رقابت، گامی مهم خواهد بود و از مشکلاتی که نظم مبتنی بر اقتصاد را در کشور ما به چالش می‌کشاند، خواهد کاست، ولی همان‌گونه که اشاره شد با این تأسیس، سایر نهادهای تنظیم بازار به موازی‌کاری خود ادامه خواهند داد. لذا از این حیث و از



جهاتی که در ادامه بدان اشاره خواهیم نمود، محلّ خدشه و انتقاد بر برخی جوانب این نهاد از حیث قواعد حقوقی پابرجاست.

ترکیب اعضای شورای فوق عبارت است از: سه نماینده مجلس از بین اعضای کمیسیون‌های اقتصادی، برنامه و بودجه و محاسبات و صنایع و معادن از هر کمیسیون یک نفر به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر، دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب و حکم رئیس قوه قضائیه، دو صاحب‌نظر اقتصادی برجسته به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و حکم رئیس جمهور، یک حقوقدان برجسته و آشنا به حقوق اقتصادی به پیشنهاد وزیر دادگستری و حکم رئیس جمهور، دو صاحب‌نظر در تجارت به پیشنهاد وزیر بازرگانی و حکم رئیس جمهور، یک صاحب‌نظر در خدمات زیربنایی به پیشنهاد رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و حکم رئیس جمهور، یک متخصص امور مالی به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و حکم رئیس جمهور، یک نفر به انتخاب اتاق بازرگان و صنایع و معادن ایران و یک نفر به انتخاب اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

با این حال، بر ترکیب داخلی اعضای شورای رقابت انتقاداتی وارد است که برای جلوگیری از اطاله و تکرار در کلام، آن را به ذیل مبحث وابستگی سازمانی شورا در ادامه همین نوشتار ارجاع می‌دهیم.

## ۱-۲- صلاحیت شورا

بدیهی است که برای نیل به تسهیل رقابت و منع انحصار و وضعیتهای ضد رقابتی، وضع صلاحیت‌های لازم، برای این نهاد مهم-که می‌بایست متصدی حفظ بازار رقابتی باشد- بسیار ضروری است. این ضرورت در ماده ۵۸ مورد اشاره قرار گرفته که مصادیق آن عبارتند از: تشخیص مصادیق رویه‌های ضد رقابتی و معافیتهای موضوع قانون رقابت و اتخاذ تصمیم در مورد این معافیتهای، ارزیابی وضعیتهای و تعیین محدوده بازار کالاها و خدمات، تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت<sup>۱۵</sup> مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با رعایت مقررات مربوط، ارائه نظرات مشورتی به دولت برای تنظیم لوایح مورد نیاز، تصریح قلمرو و اجرای مقررات قانون در بخش‌های مختلف اقتصادی، تصویب آیین نامه‌های اجرایی در خصوص چگونگی اجرای قانون، تضمین رعایت ممنوعیت‌ها با وضع جریمه و غرامت متناسب، احضار اشخاص ذی‌ربط با قانون شکنی و احضار شهود برای تحقیق و شنیدن نظرهای آنان یا اخذ گزارش از آنها، تعلیق موقت برخی فعالیت‌های بنگاه‌ها، اخذ شکایت و رسیدگی به آن و اختیار بازرسی و تحقیق، درخواست گزارش اطلاعات یا داده‌های لازم از اشخاص حقیقی و حقوقی بخش خصوصی یا سازمان‌های دولتی، در صورت لزوم (به استثنای

اسرار تجاری بنگاهها) اطلاعات مورد نیاز را برای تضمین اجرای صحیح قانون در اختیار عموم قرار دهد و در نهایت؛ ابطال ادغام یا تأسیس مؤسسات بر اساس مقررات.

### ۱-۳- وابستگی سازمانی شورا

با توجه به تصریح به قالب فراقوه‌ای بودن شورای مذکور، مصوبه شورا با حضور ضابط قضایی رأساً امکان اجرا می‌یابد. بدین‌سان که شورا شأن فراقوه‌ای دارد، منطق حکم می‌کند که تمامی ابزارها و لوازم نیل بدان نیز مهیا گردد. از این حیث به نظر می‌رسد بتوان ماهیت حقوقی و جایگاه شورای رقابت را با شوراهاى حکومتی-از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی- هم‌ردیف دانست و آن را در عداد شوراهاى حکومتی محسوب نمود. با این حال، نکته‌ای که در اینجا لازم به تصریح می‌باشد آن است که یکی از مشکلاتی که نظم مبتنی بر قانونگذاری را در کشور ما به چالش می‌کشاند، تعدد نهادهای واضع قاعده و قانون است. علی‌رغم اینکه در قانون اساسی، وضع قانون در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است و اعتبار مصوبات آن نیز در گرو تأیید توسط شورای نگهبان است، با این حال نهادهایی پایه‌ریزی شده که این صلاحیت را تخصیص زده است. یکی از این نهادهایی که تخصیصی بر صلاحیت مجلس شورای اسلامی در وضع قانون به حساب خواهد آمد، «شورای رقابت» است. از این حیث این شبهه پیش خواهد آمد که فلسفه وجودی شورا، با وجود نهادهایی چون قوای سه‌گانه چه می‌تواند باشد؟ و آیا تأسیس این نهاد بیانگر نقص در قوای سه‌گانه بوده یا اینکه می‌بایست آن را به منزله تخصیصی بودن امور محوله به شورا و اهمیت وافر آن‌ها محسوب نمود؟

شاید در توجیه فراقوه‌ای بودن شورا بتوان استدلال نمود که با عنایت به اینکه نهاد مذکور نهادی کاملاً بدیع و واجد برخی از صلاحیت‌های منحصربفرد هر یک از قوای سه‌گانه است و به نوعی تخصیص و تقییدی بر عمومیت و اطلاق جایگاه قانونی آن‌هاست. پیش‌بینی قواعد، صلاحیت‌ها، ارکان و اعضای آن از مجاری قانونی و نوع تعامل آن با قوای سه‌گانه دلیلی بر صحت این مدعاست که با توجه به پیچیدگی و حساسیت حکومت‌ها نسبت به مسائل اقتصادی و تخصیصی بودن این امر، حکومت از طریق مجاری قانونی-در ایران، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام-، به نوعی اختیاراتی را به این نهاد تفویض نموده‌اند؛ و اعطای این اختیارات به شورا، نمودی از تخصیصی بودن و قوام نظام‌های حقوقی و سیاسی مختلف می‌باشد. به همین سبب است که بخشی از وظایف حاکمیتی به شورا تفویض شده و این امر به معنای حفظ بازار رقابتی از منظر حاکمیتی است؛ تا از این طریق دخالت دولت را به حداقل رسانده و امکان ورود فعالان اقتصادی را به بازار تسهیل نمایند. از این رو شورا، مقررات را فقط برای رقابت<sup>۱۶</sup> وضع، اجرا و بر آن‌ها نظارت می‌کند. بنابراین؛ باید جنس مقررات شورای

- رقابت را هم شأن سایر شوراهای حکومتی بدانیم. ولی شورای رقابت نمی‌تواند در مصوبات خود، مصوبه‌ای خلاف قانون-چه به معنای خاص و چه در مفهوم عام آن- داشته باشد.<sup>۱۷</sup>
- از سوی دیگر نیز، ظاهراً شورا- به عنوان نهادی حاکمیتی- در مقابل هیچ نهادی، نسبت به مصوبات خود پاسخگو نیست. بنابراین با اعطای استقلال مطلق به این شورا فرصت اتخاذ تصمیم مستقل در خصوص تسهیل بازار و منع انحصار، از قوای سه‌گانه به این نهاد داده شده است.<sup>۱۸</sup> با این حال جوان بودن شورای مزبور و تازگی قواعد حقوق رقابت در ایران، موجبات برخی اشتباهات نظری و عملی در زمینه وابستگی سازمانی شورا، ترکیب داخلی و تشکیلات آن را فراهم آورده است که بصورت فهرست‌وار بدان اشاره می‌کنیم:
- فراقوه‌ای بودن ماهیت شورا، به صلاحیت انحصاری قوای سه‌گانه در حیطه‌های قانونی آن‌ها مطابق اصل تفکیک قوا در تراحم می‌باشد. از این رو هنوز ماهیت آن از منظر قواعد حقوقی نهادینه نشده و در مواردی مورد تأمل است.
  - مقنن از سویی شورای رقابت را نهادی فراقوه‌ای برشمرده ولی برخی تمهیدات اتخاذی از جانب وی -دانسته یا نادانسته- با این امر منافات دارد. چرا که وضع نهادی فراقوه‌ای مستلزم استقلال کامل حقوقی، اداری، مالی، سیاسی و... می‌باشد در حالی که برخی از اعضای شورا به حکم رئیس جمهور و در موردی نیز به حکم رئیس قوه قضائیه و مجلس منصوب می‌شوند! و این تمهیدات با استقلال شورا کاملاً در تنافی است. شاید این اقدام قانونگذار از جهت آن بوده که این شورا بر حسب مورد، برخی صلاحیتهای قوای سه‌گانه را به خود می‌گیرد. با این توجیه هم خدشه فوق‌الذکر رفع نشده و کماکان تشکیلات شورا محلّ انقاد خواهد بود.<sup>۱۹</sup>
  - در ترکیب شورای رقابت، جای خالی حقوقدانان یا فقیهان اقتصادی، بسیار احساس می‌شود و از این حیث به نظر می‌رسد بهتر بود که قانونگذار در ترکیب حاضر علاوه بر افزایش تعداد حقوقدان، یک حقوقدان برجسته را به عنوان رئیس شورا؛ که در حال حاضر باید فردی اقتصادی باشد، پیش‌بینی می‌نمود. این پیشنهاد از مطابق ملاکهای فقهی و اسلامی نیز کاملاً مقبول و ستودنی خواهد بود. چرا که در متون فقهی، متصدی امر «نظارت بر بازار»، باید آشنا به قواعد و احکام اسلامی و فقهی باشد. تدقیق در آثار فقها ذیل بحث از «آداب‌التجاره» بخوبی گواه این مدعاست. البته لازم بذکر است که حدود و نحوه نظارت بر بازار در فقه، متناسب با نوع بازارها متفاوت خواهد بود و هر کدام از بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر، سازوکار جداگانه‌ای را می‌طلبد که بحث تفصیلی آن، از حوصله این نوشتار خارج است.

- علاوه بر کمبود تعداد حقوقدان، جای خالی دادستان نیز؛ بعنوان مدعی العموم در این شورا نابخشودنی است. چرا که این نهاد حقوقی نماینده عموم جامعه بوده و نمی‌بایست او را از حضور در شورای به این درجه از اهمیت محروم نمود.<sup>۲۰</sup>
- نکته جالب در رابطه با نسبت شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر آن است که علیرغم اینکه شورا نسبت به هیأت تجدیدنظر، بدوی محسوب می‌شود، لیکن تعداد اعضای هیأت تجدیدنظر در مقایسه با شورا، از تعداد اعضای کمتری برخوردار است که واجد تخصص کمتری نیز نسبت به شورا می‌باشند. لذا بهتر بود مقنن تعداد اعضای هیأت تجدیدنظر را بیش از تعداد اعضای شورای رقابت و واجد تخصص و تجربه بیشتری می‌دانست؛ چرا که در منطق حقوقی نهادهای تجدیدنظر می‌بایست به نسبت نهادهای بدوی دارای تخصص، کارآمدی و اعضای بیشتری باشند.
- با اذعان به این امر که افزایش نقش نیروهای بازار بدون فهم و درک نوع بازارها از حیث رقابت‌پذیری میسر نیست، عملکرد فعلی شورای رقابت در خصوص نحوه ورود به بازارهای مختلف<sup>۲۱</sup> نیز قابل نقد و تأمل است. چرا که بازارهای خصوصی، بازارهای دولتی و بازارهای رقابت‌ناپذیر (نابازار) هر یک قواعد حقوقی خاص خود را می‌طلبند؛ حال آنکه شورای مذکور با عدم درک جامع از واگرایی «بازار» از «نابازار»، و تمایز آن دو از «اقتصاد دولتی»، قواعد «حقوق رقابت» را با «رگولاتوری» و «مقررات بخشی» خلط نموده و هر دو را به یک نحو اجرا می‌نماید؛ در تکمیل این ایراد و ارائه پیشنهاد بدان لازم است که شورای مزبور هرگونه اقدام در جهت «قیمت‌گذاری» را محدود به بازارهای رقابت‌ناپذیر (نابازار) نموده و سایر قواعد «حقوق رقابت»؛ از جمله هر اقدامی برای تسهیل رقابت و منع انحصار -بجز قیمت‌گذاری- را در بازارهای «رقابت‌پذیر» اجرایی نماید.

#### ۱-۴- آئین و رویه‌ی رسیدگی

شورای رقابت تنها مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی است. برای نیل بدین هدف واجد دو صلاحیت بزرگ بازرسی و تحقیق می‌باشد. بموجب ماده ۶۰ اختیار شورا برای بازرسی و تحقیق به شرح زیر است:

الف- بازرسی: شورای رقابت اختیار دارد در اجرای وظایف و مأموریت‌های خود برای رسیدگی به دعاوی و پرونده‌های طرح شده، بنگاه‌ها و شرکت‌ها را بازرسی کند و اجازه ورود به اماکن، انبارها، وسایل نقلیه، رایانه‌ها و تفتیش آن‌ها و نیز جواز بازرسی از فعالیتهای اقتصادی، اموال، رایانه‌ها، دفاتر و سایر اوراق را صادر کند. شرکت در جلسات مجامع عمومی و جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از جمله مصوبات هیأت مدیره، نیز مشمول اختیار بازرسی شورا است.

ب- تحقیق: مطابق بند ب ماده ۶۰، شورا اختیار دارد در اجرای وظایف و مأموریت‌های خود، با استفاده از یک یا چند راهکار زیر، رسیدگی به موضوعات مرتبط با این قانون و شکایات را انجام دهد: ۱- احضار مشتکی‌عنه برای حضور در شورا یا مرکز به منظور انجام تحقیقات از او. ۲- احضار شهود و یا هر شخص دیگر که حضور آنها به منظور رسیدگی به شکایات ضروری تشخیص داده شود. ۳- درخواست گزارش، اطلاعات، مدارک، مستندات و سوابق (اعم از کاغذی یا الکترونیکی) مرتبط با رویه‌های ضد رقابتی از اشخاص حقیقی و حقوقی. ۴- دعوت از کارشناسان و مؤسسات تخصصی و دریافت اظهار نظر آنان در فرایند تحقیق و بازرسی. شورا مکلف است برای رسیدگی به موضوع شکایات، وقت رسیدگی تعیین و آن را به طرفین ابلاغ نماید. طرفین می‌توانند شخصاً در جلسه حضور یابند یا وکیل معرفی نمایند یا لایحه دفاعیه به شورا تقدیم کنند.

#### ۱-۵- ضمانت اجراها

طبق مواد ۶۱ و ۶۲ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شورای رقابت مکلف است رأساً و یا بر اساس شکایت هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی از جمله دادستان کل یا دادستان محل، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، تنظیم‌کننده‌های سازمانها و نهادهای وابسته به دولت، تشکل‌های صنفی، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و دیگر سازمانهای غیردولتی، بررسی و تحقیق در خصوص رویه‌های ضد رقابتی را آغاز و تصمیم بگیرد. لذا با توجه به مواد ۶۱ و ۶۲ ضمانت اجراهای مربوطه را باید عبارت از قالب‌های مسئولیت مدنی، مجازات کیفری و دستورات و الزامات ضد رقابتی دانست.<sup>۲۲</sup>

#### ۲- کمیسیون اتحادیه اروپا

غور در حقوق اتحادیه اروپا بیانگر این واقعیت است که کلیات، اصول و قواعد، مرجع رسیدگی و رویه و قواعد دادرسی در مواد ۱۰۱ الی ۱۰۳ معاهده اتحادیه اروپا، آیین‌نامه ۱۷/۶۲ و اصلاحیه ۱/۲۰۰۳ آن؛ مصوبه شورای وزیران و همچنین رویه‌های قضایی دیوان دادگستری اروپا و دیوان عمومی قابل بررسی است. بررسی قواعد رقابتی در اتحادیه اروپا از این رو مهم می‌نماید که قوانین ملی کشورهای اتحادیه اروپا نیز تحت الشعاع همین قواعد رقابتی اتحادیه (معاهده رم و اصلاحات پی در پی آن) قرار گرفته و از آن تبعیت می‌نماید. (Massimo, 2004, p9)

مهم‌ترین مرجع رسیدگی رقابتی در حقوق اتحادیه اروپا، کمیسیون اتحادیه اروپاست که آراء آن قابل پژوهش و تجدیدنظر در دیوان عمومی می‌باشد و دیوان عمومی نیز از نظر شکلی تحت نظارت و کنترل دیوان دادگستری اروپا می‌باشد. بموجب ماده ۱۷ معاهده اتحادیه اروپا، کمیسیون، مسئول تضمین مقررات رقابتی این اتحادیه می‌باشد که در رأس آن دبیر کل کمیسیون

قرار دارد و عالی‌ترین مقام اداری و اجرایی آن محسوب می‌گردد. کمیسیون در راستای نیل بدین مهم می‌تواند علیه دولت عضوی که تکالیف خود را انجام نمی‌دهد، در دیوان دادگستری اروپا اقامه دعوا نماید؛ همچنین دولت‌های عضو و اشخاص حقیقی و حقوقی هم می‌توانند علیه عضو متخلف طرح دعوا نمایند و تحت شرایطی بطلان اعمال نهادهای اتحادیه را طلب نمایند. (مواد ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۶۳، ۲۶۴ معاهده)

مقایسه نظارت رقابتی در ایالات متحده و اتحادیه اروپا حاکی از آن است که برخلاف ایالات متحده، مقررات حقوق رقابت در حقوق اتحادیه اروپا به ندرت و موردی از مجرای مطالبه خصوصی اجرا می‌گردد و در این اتحادیه کمیسیون و مأموران دولتی ذی‌صلاح نقش اصلی در اجرای حقوق رقابت و مقابله با رویه‌های رقابتی را ایفا می‌نمایند.

## ۲-۱- ترکیب اعضاء و صلاحیت کمیسیون

ترکیب اعضای این کمیسیون به تعداد کشورهای عضو است و هرکدام از کشورهای عضو در این کمیسیون دارای کمیسر می‌باشد. بموجب ماده ۲۱۳ معاهده، از هرکشور حداقل یک نماینده وجود خواهد داشت. این تعداد نمی‌تواند بیش از دو عضو گردد. در حال حاضر کشورهای بزرگ دو و کشورهای کوچک یک نماینده دارند.

اعضای منتخب-که معمولاً از میان رجال سیاسی باسابقه کشور متبوع خویش می‌باشند- از سوی رئیس کمیسیون و پس از تأیید پارلمان اروپا به مدت ۵ سال منصوب و دولت‌های عضو درباره نامزدی ریاست این کمیسیون به توافق می‌رسند. رئیس کمیسیون نیز برای مدت دو سال انتخاب می‌شود.

نکته‌ای که از مقایسه اعضای شورای رقابت ایران و اتحادیه اروپا مستفاد می‌گردد، این است که در قانون ایران تخصص و بهره‌مندی از کارشناسی در امور گوناگون دارای موضوعیت است. این در حالی است که شرط انتخاب اعضاء در اتحادیه اروپا تحت‌الشعاع حاکمیت سیاسی دولت‌های اتحادیه بوده و از استحکام کارشناسانه شورای رقابت در ایران برخوردار نیست.<sup>۲۳</sup>

شورا، براساس اکثریت آراء و به پیشنهاد کمیسیون و پس از مشورت با پارلمان اروپا، آئین‌نامه‌های مناسب را به تصویب می‌رساند. صلاحیت‌های عمده‌ای که برای کمیسیون پیش‌بینی شده است عبارتند از: اجرای مقررات معاهده و مقررات دیگری که توسط مؤسسات اتحادیه وضع می‌شود، اعلام نظر و ارائه پیشنهادات بر روی موضوعاتی که مربوط به معاهده می‌شود، تصمیم‌گیری و مشارکت در معیارها و مقرراتی که مطابق معاهده توسط شورا و پارلمان اروپا تعیین شده و در انتها، اعمال اختیارات جهت اجرای قواعدی که توسط شورا و پارلمان اتحادیه به آن تفویض شده است.

صلاحیت‌های احصاء شده کمیسیون به این سبب است که کمیسیون در راستای وظیفه اصلی خویش-که همان نظارت بر استعمال صحیح قواعد و اصول اتحادیه اروپاست- به خوبی بتواند

اعمال وظیفه نماید. کمیسیون برای نیل به این مهم می‌بایست مقررات اجرایی و آیین رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در ارتباط با حقوق رقابت را که در معاهده آمده است رعایت نماید.<sup>۲۴</sup>

## ۲-۲- رویه‌های رسیدگی و ضمانت اجراها

کمیسیون اتحادیه اروپا در راستای انجام صلاحیت‌های خویش مبادرت به اقدام و رسیدگی‌های لازم از طرق ذیل می‌نماید: الف: ابلاغ توافق‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات تمرکززا جهت تشخیص موارد مشمول معافیت، مغایرت یا عدم مغایرت (شروع رسیدگی با دریافت اظهارنامه) ب: در صورت شکایت اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا دولت‌های عضو (شروع رسیدگی بر اساس شکایت طرف‌های ذی‌نفع) ج: اقدام خود کمیسیون در موارد تخلف نسبت به مقررات و رسیدگی و صدور رأی مقتضی (شروع رسیدگی به تشخیص کمیسیون)

همچنین مطابق مواد ۱۱ و ۱۲ آئین‌نامه ۱۷/۶۲ موسوم به آیین‌نامه مینا، کمیسیون می‌تواند قبل از اقدام و رسیدگی ماهوی لازم به موارد مشکوک، مبادرت به انجام تحقیقات مقدماتی و پیش‌گیرانه از طریق بنگاه‌های اقتصادی، حکومت‌ها یا مقامات دولتی نماید. از این حیث، رویه رسیدگی جهت اقدامات پیش‌گیرانه در دو قالب درخواست اطلاعات و اسناد از بنگاه‌ها، اتحادیه‌ها و مقامات و دولت‌های عضو و همچنین بازرسی موارد لازم از مجرای مقامات دولت‌های عضو و یا ارسال نماینده انجام می‌پذیرد.

آرای کمیسیون در دو مرجع دیوان عمومی و دیوان دادگستری قابل اعتراض و رسیدگی مجدد می‌باشد؛ و علیرغم اینکه اعتراض اثر تعلیقی ندارد، ماده ۲۴۲ معاهده به این مراجع قضایی اجازه داده است که اجرای رأی مورد اعتراض را به تأخیر اندازند. شرایط آراء کمیسیون جهت صدور رأی نهایی این است که می‌بایست مدلل و مورد تأیید کمیسیون مشورتی بوده و واجد موارد قانونی لازم جهت صدور رأی باشد. همچنین؛ مطابق ماده ۲۱۹ به بعد معاهده، آراء صادره نمی‌تواند مغایرتی با اصل اتحادیه‌ای بودن داشته باشد. از این رو آرای که از ناحیه کمیسیون صادر می‌شود در نهایت یا به نفع بنگاه‌های اقتصادی است و یا به ضرر آن‌ها؛ که هرکدام از این دو حالت را می‌توان در صور ذیل احصاء نمود:

۱- آرای که به نفع بنگاه‌هاست؛ یا به صورت گواهی معافیت، یا گواهی عدم مغایرت و یا صدور گواهی تأییدیه، تأیید خواهند شد.

۲- آرائی که به ضرر بنگاه‌هاست، متضمن یکی از موارد ذیل خواهد بود:

الف) محکومیت به جریمه‌های کیفری: بر اساس تقسیم‌بندی تخلفات رقابتی به تخلفات کم اهمیت محدود کننده بازار (از هزار تا یک میلیون یورو)، تخلفات مهم که تأثیر گسترده‌ای در بازار دارد (از یک تا بیست میلیون یورو) و نهایتاً تخلفات بسیار مهم مبتنی بر توافق بنگاه‌ها برای تقسیم سهام بازار و ایجاد حالت شبه انحصاری برای سوء استفاده از بازار (از بیش بیست میلیون یورو)

ب) خسارات تهدیدی: کمیسیون در موارد ذیل بنگاهها را به پرداخت خسارت از ۵۰ الی ۱۰۰ میلیون یورو به ازای هر روز تأخیر محکوم می‌نماید: ۱- تصمیم کمیسیون به دلیل تغییر اوضاع و احوال راجع به یکی از عوامل یا تعهدات اساسی مندرج در گواهی یا کشف کذب اظهارات منتهی به صدور معافیت، تغییر یا لغو گردد. ۲- بنگاهها یا اتحادیه‌ها از ارائه اطلاعات لازم طبق بند ۵ ماده ۱۱ آئین‌نامه به کمیسیون استنکاف نمایند. ۳- دستور بازرسی از سوی کمیسیون اطاعت نشود.

### ۳- نهادها و مقامات رقابتی امریکا

چارچوب قانونی حقوق رقابت در امریکا را قانون شرم (Sherman Act 1890)، قانون کلاپتون (Clayton Act 1914)، قانون کمیسیون تجارت فدرال (Federal Trade Commission Act 1914) و قانون رایبنسون-پتمن (Rabinson-Patman Act 1936) تشکیل می‌دهد.

در پی تصویب قانون موسوم به «قانون شرم» در سال ۱۸۹۰، به منظور مقابله با تراست‌ها و به طور کلی هرگونه محدودیت تجاری، اقدامات مناسبی برای تأسیس شاخه جدید «حقوق ضد تراست» در حقوق امریکا صورت پذیرفت که طلیعه‌بخش قوانین دیگری برای رفع خلأهای رقابتی در حقوق امریکا محسوب می‌گردد.<sup>۲۵</sup>

در ایالات متحده دو قانون مهم تحت عنوان قانون شرم و قانون کلاپتون بر فعالیت‌های تجاری حاکم است که هر دو توسط بخش ضد تراست اداره دادگستری امریکا (DOJ) و کمیسیون تجارت فدرال (FTC) اجرا می‌شود. نهادهای عمومی متولی امر اجرا و نظارت بر قوانین ضد رقابت در ایالات متحده امریکا عبارتند از: دایره ضد تراست وزارت دادگستری (The Antitrust Division) کمیسیون تجارت فدرال (The Federal Trade Commission) و دادستان‌های کل هر ایالت (Attorneys General). این نهادها که مقامات ضد رقابتی در امریکا محسوب می‌شوند، به طور همزمان مسئول اجرای قوانین شرم و کلاپتون می‌باشند. به طور کلی عملکرد هر کدام از این نهادها به قرار زیر است:

۱- دایره ضد تراست در امریکا علاوه بر شکایت و تقاضای رسیدگی کیفری به تخلفات رقابتی مطابق قانون شرم می‌تواند علیه آن‌ها دعاوی مدنی نیز مطرح نماید.

۲- دادستان‌های کل هم می‌توانند در موارد نقض قوانین رقابتی در دادگاه فدرال اقامه دعوا نمایند.

۳- اجرای قانون کمیسیون تجارت فدرال تنها برعهده کمیسیون مزبور قرار دارد. همچنین این کمیسیون اختیار حل و فصل اداری موارد مطرح شده در نزد خود را دارد. (Jones & Sufrin, 2008, p: 21)

همچنین در مقررات رقابتی امریکا، در کنار متولیان عمومی ضد رقابتی، حسابی ویژه برای تقاضای اجرای مقررات مزبور توسط اشخاص خصوصی باز شده است. ماده ۴ قانون کلاپتون



در این مورد تصریح می‌دارد: «...هر شخصی که در پی عمل ممنوعی که ضدتراست محسوب می‌شود، متضرر گردد، می‌تواند اقامه دعوا نماید و علاوه بر هزینه‌های دادرسی، سه برابر خساراتی را که متحمل شده است دریافت نماید.»

نکته جالبی که در مورد نهاد ضدرقابتی در ایالات متحده وجود دارد، تعدد این نهادهاست؛ تا آنجا که اختیارات این نهادها تا حدودی بایکدیگر هم‌پوشانی دارد. (Nilsson, 2005, p45) امری که در نهادهای رقابتی حقوق ایران نیز مشاهده می‌شود. البته این هم‌پوشانی و تعدد نهاد رقابتی در امریکا از دو منظر موجب تفسیرهای متفاوتی شده است: عده‌ای آن را نوعی موازی‌کاری و اتلاف منابع و امکانات موجود و سبب ناهماهنگی دانسته و مردود بر می‌شمرند؛ در نقطه مقابل نیز برخی آن را حسنی بر شمرده که موجب کارآمدی سیستم ضدرقابتی از طریق ایجاد رقابت در مبارزه با انحصار بازار میان نهادهای رقابتی می‌گردد! (Nilsson, 2005, p45)

### ۳-۱- ترکیب اعضا

کمیسیون تجارت فدرال امریکا بعنوان متصدی اصلی حوزه حقوق رقابت در امریکا، متشکل از پنج عضو می‌باشد که اعضای آن به پیشنهاد مجلس سنا و توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند. همچنین ریاست این کمیسیون را رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند. اعضای کمیسیون برای ۷ سال انتخاب می‌شوند. این اعضا به هیچ عنوان مجاز به دریافت حقوق از دولت نخواهند بود و کمیسیون تجارت خود به عنوان نهادی مستقل عمل می‌کند.<sup>۲۶</sup> این همان نکته‌ای است که در کشور ما و بموجب قانون اصل ۴۴ نیز پیش‌بینی شده ولی راهکارهای ارائه شده در جهت احقاق آن تا حدود زیادی مطلوب به نظر نمی‌رسد!

### ۳-۲- صلاحیت و رویه‌های رسیدگی

در این مقال برای پرهیز از اطاله کلام، به ذکر صلاحیت‌های کمیسیون فدرال اکتفا می‌کنیم که عبارتند از: تعیین محدودیت‌های کمی در مورد کالاهای خاص یا گروهی از کالاها، اظهارنظر در رابطه با وجود یا پایان تبعیض بین خریداران، نظارت بر اجرای مقرراتی که در قانون کلاتون پیش‌بینی شده است، دستور به توقف فعالیت‌ها و رویه‌های ضدرقابتی، اعلام انصراف از تملک سهام یا هر نوع مشارکت در سرمایه‌گذاری یا دارایی، عزل مدیرانی که برخلاف مقررات انتخاب شده‌اند، تغییر یا تعدیل یا لغو گزارش‌ها یا تصمیمات متخذ، صدور مجوز تحصیل سهام دارای حق رأی یا اعلام خاتمه دوره انتظار؛ یعنی اینکه هرگاه شخصی بخواهد سهام شرکتی را بخرد، برای جلوگیری از شائبه به عهده گرفتن اختیارات آن شرکت باید از این کمیسیون مجوز اخذ نماید.

بیش‌تر تصمیمات کمیسیون تجارت فدرال (FTC) شبه قضایی و ناظر به معاملات و نتایج ناظر بر معامله است. ممانعت، ابطال، جلوگیری از ادغام، عزل مدیر و... از جمله این مواردند.

### ۳-۳- ضمانت اجراها

ضمانت اجراهای رویه‌های ضد رقابتی در امریکا مطابق مواد ۱ و ۲ قانون شرمن پیش‌بینی شده است. لذا «هر شخصی که بخشی از تجارت یا دادوستد میان ایالات مختلف یا با کشورهای خارجی را به انحصار خود در آورد یا شروع به ایجاد انحصار کند...، مرتکب جرم فرض شده و در صورت محکومیت بدان اگر شخص حقوقی باشد تا حداکثر صد میلیون دلار و در مورد سایر اشخاص تا حداکثر یک میلیون دلار یا ده سال حبس یا هر دوی این مجازات‌ها بنا به صلاح‌دید دادگاه مجازات خواهد شد.»

قانون شرمن و سایر مقررات ناظر به حفظ رقابت در امریکا، در عین حال هیچ اشاره صریحی به ضمانت اجرای قراردادی توافقات ضد رقابتی ندارد و تنها در مواردی به غیرقانونی بودن آن اکتفا شده است ولی رویه قضایی امریکا این گونه توافقات را باطل، بی اعتبار و غیر قابل اجرا می‌داند. با این وجود در حقوق ایالات متحده، بحث از لزوم جبران خسارت ایجاد شده بواسطه رویه‌های ضد رقابتی هیچ‌گاه با تردید جدی روبرو نبوده است و ماده ۴ قانون کلاپتون - که جایگزین ماده ۷ قانون شرمن شده - بر این امر دلالت داشته و تصریح می‌دارد: «...هر شخصی که در پی عمل ممنوعی که ضد تراست محسوب می‌شود، متضرر گردد، می‌تواند اقامه دعوا نماید و علاوه بر هزینه‌های دادرسی، سه برابر خساراتی را که متحمل شده است دریافت نماید.»

به عنوان آخرین نکته در قیاس با امریکا و ایالات متحده، و در مورد ضعف نظام حقوقی نظارت بر بازار و شیوه‌های ارزیابی و رویه‌های ضد رقابتی در ایران باید اشاره نمود که نظام حفظ بازار در ایران به دلیل فقدان رویه قضایی تنقیح شده، دارای ضعف بوده؛ در حالی که در اتحادیه اروپا و امریکا به تبع نوع نظام حقوقی آنها (کامن لا) اهداف، آثار و نوع این رویه‌ها به طور منظم مشخص شده و مزایا و معایب و آثار حقوقی هر کدام قابل شناسایی و تشخیص است.

### نتیجه‌گیری

ماحصل و نتایجی که از تحریر نوشتار حاضر حاصل گردید، ما را به این یافته رهنمون می‌سازد که اگرچه ضروریات اقتصادی امروز، حمایت از بازار و وجود نهادی کنترل‌کننده جهت تنظیم، آن را به اصلی عقلی تبدیل ساخته اما مسلماً قواعد و حمایت‌های حقوقی، بدان قوام و رسمیت خواهد بخشید. از این رو نکات مهمی حائز اهمیت است:

الف) با عنایت بدین مهم که نیل به اهداف مورد نظر بازار، منوط به وجود فرایند منظم «رقابت» است تا رشد و پویایی اقتصادی فراهم گردد، بدیهی است که وجود تشکیلاتی منظم و ضابطه‌مند لازم و ضروری بوده تا متولی این امر خطیر باشد و کنترل‌هایی را بر فعالیت اشخاص و بنگاهها در زمینه‌های گوناگون، وضع نماید. این ضرورت در نظام‌های حقوقی مختلف در قالب نهادهای خاصی پوشش داده شده که در نوشتار موجود، شورای رقابت ایران، نهادها و مقامات

ضد رقابتی در امریکا و کمیسیون اتحادیه اروپا و نهادهای وابسته و پیوسته به آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

نکته حائز اهمیت آنکه در این مورد لازم به ارزیابی و مذاقه است، پرداختن به ماهیت حقوقی و نسبت میان شورای رقابت در ایران با قوای سه‌گانه و نهادهای دیگر اقتصادی، اجرایی، تقنینی و قضایی است. چرا که نهاد مذکور نهادی کاملاً بدیع و منحصر بفرد نمودار گشته و در حقیقت واجد برخی از صلاحیت‌های ویژه‌ی هر یک از قوای سه‌گانه، و به نوعی تخصیص و تقییدی بر عمومیت و اطلاق جایگاه قانونی آن‌هاست. جایگاه و ضرورت قانونی نهاد مزبور را می‌بایست با عنایت به قانون اساسی و صلاحیت در وضع قانون، رسیدگی قضایی و صلاحیت اجرایی، چنین توجیه نمود که باتوجه به پیچیدگی و حساسیت نسبت به مسائل اقتصادی و تخصصی بودن این امر، خود این نهادهای صالح، از طریق قوه قانونگذاری اختیارات خویش را محدود و به نوعی به این نهاد مهم تفویض نموده‌اند و پیش‌بینی قواعد، صلاحیت‌ها، ارکان و اعضای آن از مجاری قانونی و نوع تعامل آن با قوای سه‌گانه دلیلی بر صحت این مدعاست.

ب) در حقوق ایران، امریکا و اتحادیه اروپا به فراخور نوع و نظام حقوقی آن‌ها تمهیداتی جهت پیش‌روی سیاست‌های امور اقتصادی - به عنوان عقبه مهم قوام سیاسی و اجتماعی - اندیشیده شده است که بعنوان جمع‌بندی نهایی ذیلاً مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. در حقوق ایران، امریکا و اتحادیه اروپا وجود این نهاد مهم به خوبی پیش‌بینی گشته و در هرکدام از آن‌ها بموجب قوانینی خاص، جایگاه تشکیلاتی و ترکیب خاص اعضا، صلاحیت‌ها و شرایط و ضرورت‌های لازم جهت اقدامات لازم، آئین دادرسی ویژه و ضمانت‌اجرای مناسب مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. در حقوق ایران، امریکا و اتحادیه اروپا، هر نوع توافق یا اقدامی که موجب اخلال در رقابت می‌شود، ممنوع و قابل پیگرد اعلام شده است. با این وجود میان مقررات در حقوق این نظام‌های حقوقی تفاوت‌هایی در مفهوم اخلال در رقابت، مصادیق آن، شیوه‌های ارزیابی و رسیدگی، ضوابط و ملاک‌ها، شیوه انتخاب اعضاء و شرایط آن‌ها ملاحظه می‌گردد؛ و البته این تفاوت باتوجه به نوع نظام اقتصادی و حقوقی آنان طبیعی به نظر می‌آید. بعنوان نمونه و مصداقی بارز در طبیعی بودن این تفاوت می‌توان به شیوه‌های ارزیابی و رویه‌های ضد رقابتی در ایران اشاره نمود که به دلیل فقدان رویه قضایی تنقیح شده، دارای ضعف بوده؛ در حالی که در اتحادیه اروپا و امریکا به تبع نوع نظام حقوقی آن‌ها (کامن‌لا) اهداف، آثار و نوع این رویه‌ها به طور منظم مشخص شده و مزایا و معایب و آثار حقوقی هرکدام قابل شناسایی و تشخیص است.

ج) علیرغم تمهیداتی که به درستی جهت نظارت بر بازار رقابتی در حقوق ایران اندیشیده شده، ولی نوپا بودن آن در کشور موجب وجود نواقصی می‌باشد که می‌بایست برطرف گردد. از جمله این نواقص که مورد اشاره قرار گرفت عبارتند از:

- نهادینه نبودن ماهیت فراقوه‌ای شورای رقابت در تعامل با مفهوم تفکیک قوا و فراهم نبودن لوازم آن به علت گستردگی نهادهای تقنینی، اجرایی و نظارتی در عرصه ضدرقابتی؛
- ضعف و عدم وجود مبنای حقوقی در تشکیلات و اعضای شورای رقابت با توجه به تعداد اعضای حقوقدان و نحوه انتخاب آنان و مغایرت این شیوه انتخاب اعضاء با ماهیت فراقانونی بودن شورا؛
- عدم تعادل و تعامل صحیح بین شورای رقابت و هیأت تجدیدنظر به لحاظ چیدمان حقوقی، ترکیب اعضا از حیث تخصص، تجربه و تعداد؛
- قابل خدشه بودن عملکرد فعلی شورای رقابت در خصوص نحوه ورود به بازارهای مختلف از حیث بازارهای رقابت‌پذیر و بازارهای رقابت‌ناپذیر، به شرحی که گذشت.

نکته آخری که بطور خاص می‌بایست در مورد شورای رقابت بیان نمود، این است که با توجه به جوان بودن این نهاد در کشورمان، به مرور زمان خلأهای حقوقی آن بیشتر نمود خواهد یافت که لازم است حقوقدانان بدین مسئله و ابعاد گسترده آن توجه بیشتری نمایند. لزوم پرداختن بدین مهم از آن جهت است که در نظام حقوقی ایران چالشی که در زمینه نهادهای حقوقی مرتبط با اقسام بازار وجود دارد، تعدد و گستردگی آن‌هاست؛ که غالباً برای توسعه رقابت نهادینه شده‌اند. اما اگر این‌گونه نهادها از منظر منطبق حقوقی قاعده‌مند نشوند و از بسترهای مساعد بومی بهره‌مند نگردند، خود آن‌ها؛ و بویژه شورای رقابت - به عنوان موضوع خاص در این نوشتار - ممکن است با توجه به اطلاعات و رانتهای موجود، موجبات شکل‌گیری انحصارات جدید را فراهم آورند. بنابراین پرداختن بدان‌ها و حاکم نمودن قاعده حقوقی بر آنان امری ضروری است.

### پی‌نوشت:

- ۱- بر این اساس تنها محدودیتی که ممکن است به عنوان سدّ طریقی بر بازارهای رقابتی پدیدار گردد، محدودیت‌های طبیعی از جمله انحصارات طبیعی خواهند بود. از این رو، اینگونه بازارها تخصصاً از موضوع مورد بحث ما خارج می‌شوند. بنابراین؛ محلّ بحث این نوشتار صرفاً بازارهای رقابتی و مبتنی بر اقتصاد خصوصی می‌باشد.
- ۲- با این وجود طبیعی است که ورود بخش خصوصی به برخی بازارها از جمله انحصارات طبیعی بسیار گران خواهد بود. لذا این قسم بازارها که ما آن را «بازارهای رقابت‌ناپذیر» یا «نابازار» می‌نامیم، تا حدودی از قاعده فوق‌الذکر مستثنی می‌شود که قواعد بخصوصی را

می‌طلبد. پرداختن به این موارد، خود نگارش جامع و مجزایی را می‌طلبد که بحث از آن را به نگارشات بعدی نگارنده در این زمینه ارجاع می‌دهیم.

۳- برای مطالعه بیشتر در این مورد؛ رک: علی‌اکبر رزمی، مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی (۱۳۸۷)، مشهد: به نشر، ص ۷۰؛ همچنین رک: مهدی رشوندبوکانی، حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، صص ۳۵ به بعد.

۴- در خصوص قاعده حقوقی مترتب بر بازار رقابتی باید بدین مهم اشاره نمود که اصل حقوقی اولیه در تحقق بازار رقابتی، منع انحصار و مقابله با آن است و قیمت‌گذاری را صرفاً می‌بایست در خصوص بازارهای رقابت‌ناپذیر (نابازار) بکار برد که قواعد آن با قواعد حقوق رقابت تا حدودی متفاوت و متغایر است. (رک: <http://sadeghi-m.blog.ir>)

۵- نهادهای اصلی نظارتی تنظیم‌کننده بازار را می‌بایست مقامات رقابتی برشمرد و مؤلفه‌های شناسایی مفهوم تنظیم را نیز باید موارد زیر دانست: ۱- تنظیم (مقررات تنظیمی) مبین شرایطی است که طی آن دولت، کنترل‌هایی را بر فعالیت اشخاص و بنگاهها (درزمینه قیمت‌گذاری، سطح تولید و یا انجام تبلیغات) وضع می‌نماید؛ ۲- تنظیم در حقیقت، «انحراف از شرایط رقابتی» است که اعمال تنظیمات را القا می‌کند؛ ۳- تنظیم رقابتی یعنی حذف انحصارهای مصنوعی، غیرمفید و جلوگیری از تمرکز؛ ۴- تنظیم اقتصادی یعنی محدود شدن تصمیم‌های بنگاه‌ها در خصوص قیمت، مقدار و ورود و خروج از بازار.

۶- برای تحلیل مفهوم رقابت به زبان اقتصادی؛ رک:

Oliver Black, *Conceptual Foundations of Antitrust*, New York: Cambridge University Press (2005), p.18

۷- برای مطالعه بیشتر در زمینه اهداف اقتصادی حقوق رقابت؛ رک:

Taylor, Martyn, *International Competition Law, A New Dimension for the WTO?* New York, Cambridge University Press (2006), p12

Stuyck, Jules, *EC Competition Law after Modernisation: More than Ever in the Interest of Consumers*, 28 *Journal of Consumer Policy* (2005), p1-2

دکتر پورسید، بهزاد، *تقریرات درس حقوق تجارت (دوره دکتری حقوق خصوصی)* دانشگاه امام صادق (ع)، نیمسال دوم ۹۰-۹۱.

۸- برای مطالعه بیشتر در زمینه اهداف غیراقتصادی حقوق رقابت؛ رک:

Pitofsky, Robert, *The Political Contract of Antitrust*, University of Pennsylvania Law Review (1979), pp1051-1057

۹- برخی از این اهداف کلی عبارتند از: (۱) شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی؛ (۲) گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی؛ (۳) ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری؛ (۴) افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی؛ (۵) افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی؛ (۶) کاستن از بازار مالی و مدیریت دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی؛ (۷) افزایش سطح عمومی اشتغال...

۱۰- جهت مطالعه در مورد این مکاتب رک:

A. Bickel & B. Schmidt, *The Judiciary and Responsible Government* (1910), pp 86-199

E. Hawley, *The New Deal and the Problem of Monopoly: A Study in Economic Ambivalence* 13/35, 48, 297-299, 1966

۱۱- برای مقایسه بیشتر در حقوق اتحادیه اروپا و امریکا؛ رک:

Green, Ofer, *Integration of Non-Efficiency Objectives in Competition Law, A Thesis Submitted In Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Laws, Faculty of Law, University of Toronto* (2008), p 34

Goold, Patrick Russell, *The Socio-Political Goals of Antitrust Law*, Available at: [http://scholarship.law.cornell.edu/IpsLLMGRP/2\(2009\), P27](http://scholarship.law.cornell.edu/IpsLLMGRP/2(2009), P27)

همچنین؛ رک:

Verstrang Jean- Francois/*The System of EEC Competition Rules*, in P.J. Solt, p3

۱۲- ماده ۵۴ ق اصل ۴۴: به منظور انجام امور کارشناسی و اجرایی و فعالیتهای دبیر خانهای

شورای رقابت، مرکز ملی رقابت در قالب موسسه‌ای دولتی مستقل زیر نظر رئیس جمهور

تشکیل می‌شود که تشکیلات آن به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب

هیأت وزیران تعیین می‌شود...

تبصره ۱: رئیس شورای رقابت، رئیس مرکز ملی رقابت نیز می‌باشد.

۱۳- هیأت تجدیدنظر در تهران مستقر و اعضاء آن باید حداقل دارای پانزده سال سابقه کار مفید

و مرتبط باشند. سایر شرایط انتخاب اعضاء و همچنین ضوابط مرتبط با دوره تصدی

اعضاء، اشتغال، عزل و رسیدگی به تخلفات اعضاء و نیز موقعیت شغلی و ضوابط

استخدامی و حقوق و مزایای آن به ترتیبی خواهد بود که در بند «ب» ماده ۵۳ و مواد ۵۵

و ۵۶ ذکر شده است.

۱۴- شرایط انتخاب اعضاء که به استثنای قاضی، بازنشسته بودن مانع انتخاب آنان نخواهد بود،

ذیل ماده ۵۳ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل است: تابعیت جمهوری

اسلامی ایران؛ دارا بودن حداقل چهار سال سن؛ دارا بودن مدرک دکترای معتبر برای اعضاء

صاحب نظر اقتصادی، حقوقدان و حداقل کارشناسی برای صاحب نظران تجاری و

صنعتی و خدمات زیر بنایی و مالی؛ نداشتن محکومیت‌های موضوع ماده ۶۲ مکرر قانون

مجازات اسلامی و یا محکومیت قطعی به ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب؛ دارا بودن

حداقل ده سال سابقه کار مفید و مرتبط؛ نداشتن محکومیت قطعی انتظامی از بند (د) به بالا

موضوع ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری.

۱۵- در خصوص بند فوق راجع به «تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت» باید اذعان نمود که این

امر را صرفاً باید منحصر به بازارهای رقابت‌ناپذیر از جمله انحصارات طبیعی تفسیر نمود و

با توجه به اصل آزادی معاملات در روابط خصوصی، تنظیم قیمت و قیمت‌گذاری در

بازارهای خصوصی امری مردود است.

۱۷- بدیهی است که بموجب اصل حاکمیت قانون، هیچ‌کدام از نهادهای حقوقی نمی‌بایست از حیثه قانونی خارج گردند. از این رو شورای رقابت نیز - همانند نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی - از این اصل مستثنی نبوده و علیرغم حکومتی بودن ماهیت آن، مصوبات آن هم در مرجع تصویب، و هم در طی مراحل قانونی با قانون به معنای خاص تفاوت دارد. این مصوبات گرچه قواعد حقوقی لازم‌الاجرا هستند؛ لیکن قانون به معنای خاص و دقیق کلمه محسوب نمی‌گردند. (رک: محمد صادقی، ۱۳۹۰، «جایگاه قانونی و مرتبه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، مجله جستارهای حقوقی، شماره هفدهم، ص ۱۲۴)

۱۸- رک: پورسید، بهزاد، تقریرات درس حقوق تجارت (دوره دکتری حقوق خصوصی)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، نیمسال دوم ۹۰-۹۱.

۱۹- اگر بخواهیم وضعیت مطلوبتری را در خصوص ترکیب شورای رقابت پیشنهاد کنیم که به واقعیت هم نزدیکتر باشد، شاید بتوان ترکیب پیش‌بینی شده برای شورای عالی بورس را مثال زد که بموجب قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ معین شده و - در نوع و ماهیت خود - در قیاس با ترکیب شورای رقابت، از منظر منطق حقوقی معقول‌تر به نظر می‌رسد. بموجب ماده ۳ قانون فوق‌الذکر؛ ترکیب اعضای شورای عالی بورس - به عنوان عالی‌ترین رکن بازار اوراق بهادار - به شرح ذیل می‌باشد: وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون، رئیس سازمان که به عنوان دبیر شورا و سخنگوی سازمان نیز انجام وظیفه خواهد کرد، دادستان کل کشور یا معاون وی، یک نفر نماینده از طرف کانون‌ها، سه نفر خبیره مالی منحصراً از بخش خصوصی با مشورت تشکل‌های حرفه‌ای بازار اوراق بهادار به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران، یک نفر خبیره منحصراً از بخش خصوصی به پیشنهاد وزیر ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران برای هر بورس کالایی.

تبصره ۱- ریاست شورا با وزیر امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲- مدت مأموریت اعضای موضوع بندهای ۷، ۸ و ۹ پنج سال است، و آنان را نمی‌توان از میان اعضای هیأت‌مدیره و کارکنان سازمان انتخاب کرد.

تبصره ۳- انتخاب مجدد اعضای موضوع بندهای ۷، ۸ و ۹ این ماده حداکثر برای دو دوره امکان‌پذیر خواهد بود.

تبصره ۴- اعضای موضوع بند ۹، فقط در جلسات مربوط به تصمیم‌گیری همان بورس شرکت می‌کنند.

۲۰- در این خصوص، رک به آدرس اینترنتی: <http://sadeghi-m.blog.ir>

۲۱- مراد ما از بازارهای مختلف، بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر است که از حیث ماهیت آن‌ها، باید آن را «بازار» و «نابازار» بنامیم.

۲۲- این موارد عبارتند از: ۱. دستور به فسخ هر نوع قرارداد، توافق و تفاهم متضمن رویه‌های ضد رقابتی؛ ۲. دستور به توقف طرفین توافق یا توافقی‌های مرتبط با آن از ادامه رویه‌های ضد رقابتی؛ ۳. دستور به توقف هر رویه ضد رقابتی یا عدم تکرار آن؛ ۴. اطلاع رسانی عمومی در جهت شفافیت بیشتر بازار؛ ۵. دستور به عزل مدیرانی که برخلاف مقررات انتخاب شده‌اند؛ ۶. دستور به واگذاری سهام یا سرمایه بنگاه‌ها یا شرکت‌ها که برخلاف قانون حاصل شده است؛ ۷. الزام به تعلیق یا دستور به ابطال هرگونه ادغام که برخلاف قانون انجام شده و یا الزام به تجزیه شرکت‌های ادغام شده؛ ۸. دستور استرداد اضافه درآمد و یا توقیف اموالی که از طریق ارتکاب رویه‌های ضد رقابتی تحصیل شده است از طریق مراجع ذی صلاح قضایی؛ ۹. دستور به بنگاه یا شرکت جهت عدم فعالیت در یک زمینه خاص یا در منطقه یا مناطق خاص؛ ۱۰. دستور به اصلاح اساسنامه، شرکتنامه یا صورتجلسات مجامع عمومی یا هیأت مدیره شرکت‌ها یا ارائه پیشنهاد لازم به دولت در خصوص اصلاح اساسنامه‌های شرکت‌ها و مؤسسات بخش عمومی؛ ۱۱. الزام بنگاه‌ها و شرکت‌ها به رعایت حداقل عرضه و دامنه قیمتی در شرایط انحصاری؛ ۱۲. تعیین جریمه نقدی از ده میلیون ریال تا یک میلیارد ریال، در صورت نقض ممنوعیت‌ها؛ ۱۳. جریمه نقدی از ده میلیون ریال تا یک میلیارد ریال، در صورت نقض ممنوعیت‌ها؛ ۱۴. درخواست رسیدگی از دادگاه صلاحیتدار برای جبران خسارت وارد شده به منافع عمومی؛ ۱۵. جریمه‌های اداری به خاطر تخطی از تصمیمات.

۲۳- برای مطالعه بیشتر در این مورد رک: رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)

۲۴- مواد ۸۱ و ۸۲ به منزله یکی از مهم‌ترین مواد معاهده در این باره تصریح می‌دارد:

ماده ۸۱: «موارد ذیل به دلیل عدم سازگاری با بازار مشترک ممنوع خواهد بود:

۱) تمامی توافقات میان مؤسسات و بنگاه‌های تجاری، تصمیمات اتحادیه‌های صنفی و اقدامات هماهنگی که ممکن است تجارت میان دولت‌های عضو را تحت تأثیر قرار داده و هدف یا تأثیر آن باعث ایجاد مانع، محدودیت یا از بین بردن رقابت در بازار مشترک باشد، به خصوص در موارد زیر ممنوع است: الف: مستقیماً یا بطور غیرمستقیم قیمت‌های خرید یا فروش یا سایر شرایط تجارت را تثبیت نماید؛ ب: تولید، بازارها، توسعه فنی یا سرمایه‌گذاری را محدود یا کنترل کند؛ ج: در بازارها یا مبادی عرضه کالاها سهمین شود؛ د: نسبت به معاملات همسان با سایر طرف‌های تجاری شرایط غیر مشابهی را اعمال و از این طریق آنها را در شرایط رقابتی نامساعد قرار دهد؛ ه: انعقاد قرارداد را منوط به قبول تعهدات اضافی توسط طرف‌های دیگر



نماید، در حالی که تعهدات مذکور به لحاظ ماهیت و عرف تجاری هیچگونه ارتباطی با موضوع قرارداد نداشته باشد.

(۲) هرگونه توافق یا تصمیمی که به موجب این ماده ممنوع شده است به خودی خود باطل خواهد بود.

(۳) با وجود این مقررات پاراگراف ۲ در موارد زیر قابل اجرا نمی‌باشد: هرگونه توافق یا موافقتنامه‌های منعقد شده میان مؤسسات تجاری، هرگونه تصمیم یا مجموعه تصمیمات اتخاذ شده توسط اتحادیه‌های صنفی، هرگونه اقدام هماهنگ یا مجموعه اقدامات هماهنگ که منجر به بهبود وضعیت تولید یا توزیع کالاها یا ارتقای سطح پیشرفت فنی یا اقتصادی گردد و موجبات سهمین شدن مصرف‌کنندگان در منافع حاصله را فراهم سازد. همچنین: الف: محدودیت‌هایی را که برای نیل به اهداف مذکور ضروری نیستند به مؤسسات و بنگاه‌های تجاری تحمیل ننماید. ب: باعث تلاش مؤسسات و بنگاه‌های تجاری مذکور در جهت حذف رقابت نسبت به یکی از اجزای اصلی محصول مورد نظر نگردد.»

ماده ۸۲: «هرگونه سوء استفاده از موقعیت برتر توسط یک یا چند مؤسسه تجاری در داخل بازار مشترک یا در بخش قابل توجهی از این بازار، در صورتی که تجارت میان کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان اقدام مغایر با بازار مشترک ممنوع خواهد بود. این‌گونه سوء استفاده‌ها ممکن است شامل موارد زیر باشد: ۱. تحمیل مستقیم یا غیرمستقیم قیمت‌های ناعادلانه خرید یا فروش و یا تحمیل شرایط تجاری غیرمنصفانه. ۲. محدود ساختن تولیدات، بازارها، پیشرفت و توسعه فنی به زیان مصرف‌کنندگان. ۳. اعمال شرایط نابرابر نسبت به معاملات همسان با برخی از طرفهای تجاری که در اثر آن، اینگونه طرفها در شرایط رقابتی نامساعد قرار گیرند. ۴. مشروط کردن انعقاد قرارداد با بعضی از طرفهای تجاری نسبت به پذیرش تعهدات اضافی از سوی آنان، به نحوی که تعهدات مذکور از حیث ماهیت و همچنین از نظر عرف تجاری هیچگونه ارتباطی با موضوع قرارداد نداشته باشند.»

۲۵- برای مقایسه در حقوق اتحادیه اروپا و امریکا؛ به عنوان نمونه رک:

Green, Ofer, Integration of Non-Efficiency Objectives in Competition Law, A Thesis Submitted In Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Laws, Faculty of Law, University of Toronto(2008), p 34  
Goold, Patrick Russell, The Socio-Political Goals of Antitrust Law, Available at: [http://scholarship.law.cornell.edu/lps/LLMGRP/2\(2009\), P27](http://scholarship.law.cornell.edu/lps/LLMGRP/2(2009), P27)

۲۶- در این زمینه، رک:

<http://www.ftc.gov/>

## کتابنامه

- باقری، محمود و رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۸۷) «حقوق رقابت و دفاع از تمامیت بازار در فقه امامیه»، صص ۵۱-۸۶، تهران: مجله معارف اسلامی و حقوق، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- باقری، محمود و فلاحزاده، علی محمد (۱۳۸۸) مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت (بانگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- پورسیّد، بهزاد، تقریرات درس حقوق تجارت (دوره دکتری حقوق خصوصی)، نیمسال ۹۰-۹۱، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رزمی، علی اکبر (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر نظام‌های اقتصادی، به نشر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رشوند بوکانی، مهدی (۱۳۹۰) حقوق رقابت در فقه امامیه، حقوق ایران و اتحادیه اروپا، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ساموئلسن، پل و هاوس، نورد (۱۳۸۴) اصول علم اقتصاد، ج اول، مرتضی محمدخان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سماواتی، حشمت‌الله (۱۳۷۴) مقدمه‌ای بر حقوق رقابت تجاری، نقش آن در سیاست‌گذاری و تنظیم بازار، تهران: فردوسی.
- شکوهِ، مجید (۱۳۸۱) حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا، تهران: نشر میزان.
- صادقی، محمد (۱۳۹۰) «جایگاه قانونی و مرتبه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، شماره هفدهم (پاییز و زمستان)، تهران: مجله جستارهای حقوقی، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- صادقی مقدم، محمدحسن و غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۰) «روح حقوق رقابت (مطالعه تطبیقی در اهداف حقوق رقابت)»، شماره ۷۳، تهران: مجله حقوقی دادگستری.
- غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۱) ضمانت‌اجراهای مدنی نقض قواعد حقوق رقابت، رساله دکتری رشته حقوق خصوصی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۶) فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- میرجلیلی، سیدحسن (۱۳۸۳) توسعه اقتصادی و سیاست رقابتی در ایران، مجموعه مقالات همایش راهبرد توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی و عضویت در سازمان جهانی تجارت، تهران: انتشارات توسعه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی.
- نیلی، مسعود (۱۳۸۶) اقتصاد و عدالت اجتماعی، با همکاری موسی غنی‌نژاد، محمد طیبیان و غلامعلی فرجادی، تهران: نشر نی.

Bickel, A. & Schmidt, B, (1910) The Judiciary and Responsible Government.

Black. Oliver, (2005) Conceptual Foundations of Antitrust, New York: Cambridge University Press.

Bork, Robert, (1993) The Antitrust Paradox, New York: Free Press.

Deakin, Simon, Goodwin, Tom and Haughes, Alan, (1997) Co-operation and Trust in Interfirm Relations: Beyond competition Policy at contrast, Co-operation and competition, Studies in Economics, Management and Law, Edition by Simon Deakin and Johnathan Michie, Oxford.

Eleanor M. Fox & Lawrence, A, (1986) Antitrust- Retrospective and Prospective: Where are we coming from? Where are we going? New York Univ, Law Rev.

Furse, Mark, (2008) Competition Law of the EU and UK, Oxford University Press, 6<sup>Ed</sup>.

Goold, Patrick Russell, (2009) The Socio-Political Goals of Antitrust Law, Available at: <http://scholarship.law.cornell.edu/IpsLLMGRP/2>.

Goyder, D.G, (1998) EC Competition Law, Oxford University Press, 3<sup>th</sup> edition.

Green, Ofer, (2008) Integration of Non-Efficiency Objectives in Competition Law, A Thesis Submitted In Conformity with the Requirements for the Degree of Master of Laws, Faculty of Law, University of Toronto.

Hawley, E, (1966) The New Deal and the Problem of Monopoly: A Study in Economic Ambivalence.

Jean- Francois Verstrang, The System of EEC Competition Rules, in P. J. Solt, Exploiting the Internal Market

Jones, Alison & Sufirin, Brenda, (2008) EC Competition Law, 3rd Ed, New York: Oxford University Press.

Massimo, Motta, (2004) Competition Policy, theory and practice, Cambridge University Press, first published.

Nilsson. Tomas, (2005) Private Enforcement of EC Competition Law, Lund: Master Thesis Faculty of Law, University of Lund.

Ogus, Antony, (1994) Regulation, Legal Form and Economic Theory, Clarendon Press, Oxford.

Pitofsky, Robert, (1979) the Political Contract of Antitrust, University of Pennsylvania Law Review.

Pool, Jill, (2006) Text book on Contract Law, Oxford: New York.

Stuyck, Jules, (2005) EC Competition Law after Modernization: More than Ever in the Interest of Consumers, 28 Journal of Consumer Policy.

Taylor, Martyn, (2006) International Competition Law, a New Dimension for the WTO? New York, Cambridge University Press.

Viscusi, Vernon, (2004) Harrington, Economics of Regulation and Antitrust, D.C. Health and company, Lexing, Massachusetts, Toronto

<http://council.nicc.ir>

<http://europa.eu>

<http://sadeghi-m.blog.ir>

<http://www.ftc.gov>

